

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی (مطالعه موردی جوانان ۳۰-۱۸ شهرستان سردشت)

مریم یارمحمدتوسکی*، مصطفی صحرائی[□]

چکیده:

تکنولوژی‌های نوین ارتباطی و اطلاعاتی (ICT) که شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز زیرمجموعه آنها می‌باشند، تغییرات زیادی در تمام ارکان جوامع معاصر ایجاد کرده‌اند. سرمایه اجتماعی نیز که از آن به عنوان حلقه مفقوده توسعه اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی یاد می‌شود و امروزه، دولت‌ها، امید خود را برای رهایی از عقب‌ماندگی، به آن بسته‌اند از این تغییرات بی‌تأثیر نبوده است. تحقیق حاضر در پی آن است به تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهرستان سردشت در تابستان سال ۱۳۹۰ بپردازد. سؤال اصلی تحقیق این است که آیا می‌توان شبکه‌های اجتماعی مجازی را به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه قلمداد کرد؟ در مبانی نظری از نظریات یورگن هابرماس، به ویژه مفهوم حوزه عمومی و کنش ارتباطی، به عنوان چارچوب نظری استفاده و متغیرهای اعتماد اجتماعی، حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی، همبستگی اجتماعی، تصمیم‌سازی مشارکتی و حوزه عمومی استخراج شده است. روش تحقیق پیمایشی بوده و با استفاده از روش نمونه‌گیری گلوله برفی، ۱۰۵ نفر از جوانان شهرستان سردشت به عنوان حجم نمونه انتخاب شده‌اند. نتیجه این که بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی، رابطه معناداری وجود دارد و می‌توان شبکه‌های اجتماعی مجازی را به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه قلمداد کرد.

کلیدواژه‌ها: شبکه‌های اجتماعی مجازی^۱ - سرمایه اجتماعی^۲ - رسانه اجتماعی

* استادیار جامعه‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی اراک

Email: m.sahraii86@gmail.com

□ کارشناس ارشد جامعه‌شناسی

¹ Virtual social network

² Social capital

مقدمه

در آغاز قرن بیست و یکم، فناوری‌های اطلاعات و ارتباطات، به ویژه اینترنت به عنوان بارزترین نمود آنها، رواج بسیاری پیدا کرده است. اگر به دنیای پیرامون خود نیم نگاهی داشته باشیم متوجه خواهیم شد که اینترنت، مرزهای سنتی و فرضی جغرافیایی و زمانی را در هم شکسته و انسان را از بند مرزها رهانیده است. "نفوذ شبکه‌های اجتماعی نام آشنا، به حدی چشمگیر است که اثرگذاری آنها را می‌توان همسنگ قدرتمندترین کشورها دانست. چنان‌که پیداست این روند همچنان ادامه خواهد داشت. کارشناسان «بانک جهانی» پیش‌بینی کرده‌اند در سال ۲۰۱۷ میلادی، شمار ساکنان کره زمین به ۷/۴۴ میلیارد نفر می‌رسد و در آن زمان ۳۱/۳ درصد از مردم در شبکه‌های اجتماعی حضور خواهند داشت" (علیپور، ۱۳۹۳). محققان و پژوهشگران در مورد اینترنت و تأثیر آن در عرصه‌های مختلف، در حال نظریه‌پردازی‌های هرچه بیشتر، هستند، علت این امر نیز تغییراتی است که این فناوری در زندگی انسان‌ها و جوامع معاصر ایجاد کرده است. شبکه‌های اجتماعی مجازی نیز که زیرمجموعه اینترنت و ارتباطات فناورانه به شمار می‌روند، امروزه در کانون توجه کاربران اینترنت قرار گرفته‌اند. وجه مشترک گونه‌های متعدد شبکه‌های اجتماعی مجازی، مخاطب محور بودن آنها و تولید محتوا توسط افراد استفاده‌کننده است، بدین صورت که در رسانه‌های اجتماعی، هر فرد، محتوایی را که خود تولید یا انتخاب کرده است با دیگر افراد به اشتراک می‌گذارد. بنا بر آمارهای «الکسا»، «فیس‌بوک»^۱ و «یوتیوب» که گونه‌هایی از شبکه‌های اجتماعی‌اند، بعد از گوگل پر بازدیدترین سایت‌های جهان بوده‌اند. شبکه‌های اجتماعی مجازی بیشترین شباهت را به جامعه انسانی داشته و به فرد امکان برقراری ارتباط، با شمار بسیاری از افراد دیگر را، فارغ از محدودیت‌های زمانی، مکانی، سیاسی، فرهنگی و اقتصادی می‌دهند.

^۱ facebook

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۲۹

از طرفی نیز، بحث و پژوهش در مورد سرمایه اجتماعی در سال‌های اخیر رشد فزاینده‌ای داشته است. جامعه‌شناسان، اقتصاددانان توسعه، جرم‌شناسان، متخصصان بهداشت و سلامت، سیاستمداران و برنامه‌ریزان ملی و نهادهای بین‌المللی با خوش بینی، این پدیده را مورد بررسی قرار داده‌اند. در حوزه مطالعات توسعه‌ای از سرمایه اجتماعی به مثابه حلقه مفقوده یاد شده و این امید برای بسیاری از متخصصان توسعه و کشورهای توسعه نیافته ایجاد گردیده است که با استفاده از آن، شاید بتوان از دور باطل عقب ماندگی، رهایی یافت. با اندکی تعمق، می‌توان ملاحظه کرد که میان آنچه در شبکه‌های اجتماعی مجازی در جریان است با سرمایه اجتماعی، ارتباط پیچیده‌ای وجود دارد. در همین راستا وزیر کشور تأکید کرده است: "بحث سرمایه اجتماعی بر مبنای یک پیمایش در سال ۸۴، انجام شده بود و بعد از آن، این بحث تعطیل شده بود. بر این اساس هر سال پیمایشی در خصوص سرمایه اجتماعی خواهیم داشت و آسیب‌ها، عوامل و آثار سرمایه اجتماعی را به صورت عملیاتی به دستگاه‌های مختلف ابلاغ کنیم که مبنای کار آنها باشد". وی در ادامه بحث فضای مجازی، از صداوسیما درخواست کرد شبکه‌ای تشکیل شود تا مردم در سراسر کشور از طریق فضای مجازی با یکدیگر در تعامل باشند و ارتباط مثبت و مؤثری بین افراد برقرار شود. "ایده‌ای در صداوسیما وجود دارد که براساس آن حدود ۱۰ هزار محله، که روستاها نیز به عنوان محله پیش‌بینی شده‌اند، با ایجاد شرایطی در فضای مجازی می‌توانند با یکدیگر در ارتباط باشند" (رحمانی‌فضلی، ۹۲/۱۰/۳). با این مقدمه در این پژوهش سعی شده است با تحلیلی جامعه‌شناختی، ارتباط بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان با مطالعه موردی در شهرستان سردشت، مورد بحث و بررسی قرار گیرد.

بیان مسئله

پیدایی و گسترش ارتباطات کامپیوتری به عنوان یکی از مهمترین دستاوردهای جدید ارتباطی-اطلاعاتی، ارتباطات را معنایی تازه بخشیده و موجب دگرگونی در تعاملات اجتماعی شده است. شبکه‌های اجتماعی اینترنتی یا مجازی^۱، امتداد دستاوردهای بشری در زمینه فناوری اطلاعات و ارتباطات (ICT) می‌باشند. در حال حاضر، صدها میلیون نفر از کاربران اینترنت، عضو صدها شبکه اجتماعی مختلف هستند، به عنوان مثال، آمار کاربران فعال «فیس‌بوک»، که یکی از بزرگترین شبکه‌های اجتماعی مجازی حال حاضر از لحاظ دامنه تعداد کاربران می‌باشد، به گفته سایت رسمی‌اش^۲ تا تاریخ ۲۰۱۱/۸/۲ از مرز ۷۵۰ میلیون نفر گذشته است که هر روز نیز بر این تعداد افزوده می‌شود. از نقش اینترنت، به ویژه شبکه‌های اجتماعی مجازی، در تحولات سیاسی و معادلات جهانی، بخصوص در تحولات و انقلاب‌های اخیر خاورمیانه و کشورهای عربی نمی‌توان غافل بود، این نقش از طرف بسیاری از رسانه‌ها و منابع خبری جهان تأیید شده است؛ به عنوان مثال خبرگزاری فارس در سایت خبری خود در روز ۲۹ بهمن ماه ۱۳۸۹ به نقل از «جرد کوهن» مدیر سایت گوگل در مورد انقلابات مصر و تونس نوشته است "شبکه‌های اجتماعی مجازی، شتاب دهنده این تحولات بوده‌اند". صدوقی، در کتاب «تکنولوژی اطلاعاتی و حاکمیت ملی»، در مورد نقش و تأثیر وسایل ارتباط جمعی نوشته است: "برخی معتقدند که این ابزار موجب جابه‌جایی قدرت از دولت ملی به بازیگران غیردولتی، فرا یا فروملی، شکستن انحصار کنترل و مدیریت دولت‌ها بر حجم عظیم اطلاعات، خدشه در سلسله مراتب‌های قدیمی، پخش و اشاعه قدرت میان گروه‌ها و افراد، غیرملی شدن و غیرسرزمینی شدن اقتصاد، سیاست و... در نهایت فرا رسیدن پایان عمر دولت-ملت هستند» (رحمان‌زاده، ۱۳۸۹: ۴۸). "قدرت کاربران فضای مجازی روز به روز در حال گسترش است. این قدرت با افزایش شمار قابل توجهی از شبکه‌های اجتماعی عمومی آنلاین است. این

^۱ virtual social network

^۲ www.facebook.com

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۳۱

شبکه‌های آنلاین در لحظه و بعنوان یک راهنما کلیه اطلاعات به روز را در اختیار کاربران قرار می‌دهند^۱ (زیلمن، ۲۰۱۴). به هر صورت، تأثیرگذاری و نقش وسایل ارتباط جمعی در مسایل و قضایای سیاسی، از مسکلمات جهان امروز است. این ابزار، همانطور که با قدرت در دست مغرب زمین، نقش رسانه ای قوی ایفا می‌نماید، در مشرق نیز می‌تواند اطلاع‌رسانی در مورد مسائل داخلی و جهانی، معرفی سیاستمداران، ایجاد دگرگونی در ساختارهای مستبدانه دولت‌ها و... را به عهده گرفته و سازمان‌دهی می‌کند. اما بایستی به تفاوت میان رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی توجه داشت. "رسانه‌ها، مسئول پخش پیام به توده‌ها هستند؛ در حالی که شبکه‌ها، مسئول تعامل با مردم به صورت جداگانه هستند؛ به عبارت بهتر، رسانه اجتماعی، کانالی برای پخش پیام است و به عنوان یک استراتژی محسوب می‌شود، در حالی که شبکه اجتماعی می‌تواند به عنوان یک وسیله یا ابزاری برای اتصال با سایر افراد استفاده شود. رسانه اجتماعی در واقع، یک استراتژی برای دستیابی به گروه‌های خاصی از مردم است در حالی که شبکه اجتماعی، ابزاری برای اتصال با مردم است" (افتاده، ۱۳۹۱). "هیچ فرضی وجود ندارد که گروه‌ها، بلوک‌های بناکننده اجتماع هستند. از اجتماعات غیر محلی گرفته تا لینک‌های درون وب‌گاه‌ها، برای مطالعه سیستم‌های اجتماعی با محدودیت کمتر باز است." (لینتون، ۲۰۰۶). فضای سایبر، عرصه ظهور و نقش‌آفرینی رسانه اجتماعی است. کنشگران در فضای رؤیایی سایبر، قواعد و قوانین حاکم بر فضای فیزیکی و واقعی را پشت سر می‌گذارند و با سازوکارهای متفاوتی، سطح و محدوده روابط و تعامل‌های خویش را پایه‌گذاری می‌کنند. کنشگران، با استفاده از ابزارهای تکامل یافته به مشارکت در معماری شبکه‌ای از روابط پیچیده پرداخته و فضای نوین تعامل را مبتنی بر قواعد و عملکرد شبکه‌های اجتماعی فضای سایبر پایه‌گذاری کرده‌اند. شبکه‌های اجتماعی سایبری، غالباً از ویژگی «باز بودن» و «عدم

¹ Zillman

² Linton

تمرکز» برخوردارند و ضمن داشتن انعطاف‌پذیری و ایمنی سطح بالا، کنترل اجتماعی را با چالش‌های جدی روبه‌رو کرده‌اند" (خانیکی و بابایی، ۱۳۹۰، ص ۷۱). مطالعه دیگری نشان می‌دهد کاربران یک مدل شبکه اجتماعی مجازی^۱ توسط پل سرمایه اجتماعی حاصل از این ارتباطات، توانسته‌اند به یک زنجیره گسترده ارتباطی توأم با اعتماد قابل توجه، تبدیل شوند (شن و کالیگ^۲، ۲۰۱۴). هابرماس در سخنرانی خود در ۹ ماه مارس ۲۰۰۶، بیان داشت که استفاده از اینترنت، زمینه‌های ارتباطات را بسط و همچنین گسست داده است. در حالی که تحلیل هابرماس از اینترنت، مبهم و دوپهلوست، شماری از پژوهشگران در باب نظریه حوزه‌های عمومی چندگانه، به ملاک‌های بنیادینی اشاره کرده‌اند که اگر قرار است اینترنت به مثابه حوزه عمومی عمل کند این ملاک‌ها باید برآورده شوند. به عنوان مثال «دهلیبرگ» استدلال می‌کند که برای در نظر گرفتن اینترنت به عنوان یک حوزه عمومی، باید شش ملاک در نظر گرفته شود: استقلال از دولت و قدرت اقتصادی؛ معاوضه و نقد مدعیات اخلاقی - کاربردی قابل نقد؛ بازتاب‌پذیری؛ نقش‌پذیری آرمانی؛ صداقت؛ و دربرگیری استدلالی و برابری. از منظر دیدگاه پست مدرن به افکار عمومی چند پاره، می‌توان به یک آینده خوش بینانه از اینترنت به مثابه یک حوزه عمومی دست یافت. از این رهگذر، فضای سایبر به یک جهان مجازی تبدیل می‌شود و محل‌های خاص در این دنیای دیجیتال، شبیه به کافه‌های قرن هجدهم اروپای مرکزی قلمداد می‌شوند که عرصه فیزیکی برای ایجاد انجمن‌های فکری که هابرماس، حوزه عمومی بورژوا می‌نامد، ایجاد می‌گردد. در این چارچوب، علی‌رغم تحول ساختاری در جامعه، آگاهی‌های پراکنده می‌توانند در فضای سایبر، در مباحثات فکری و انتقادی شرکت بجوینند. باید اشاره کرد که حوزه عمومی به بیان هابرماس، در حالی که دسترسی آزاد را فراهم می‌سازد، شمار زیادی از مردم را نمی‌تواند مجاب به مشارکت نماید. حوزه‌های عمومی اینترنت - بنیاد نیز دورنمای شرکت همه کاربران در

¹ Ever Quest II

² Shen & colligue

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۳۳

گفتگوی بامعنا را نشان نمی‌دهند (روزنامه رسالت، دی ماه ۱۳۸۸).^۱ «منتظر قائم» و «تاتار» با برشمردن ویژگی‌های خاص اینترنت از قبیل تعاملی بودن، بی‌زمانی، بی‌مکانی، برخورداربودن از فضای گفتمانی، چندرسانه‌ای بودن، هایپرتکست و هایپرلینک بودن و نیز گمنامی کاربران، به فرصت‌هایی که این ویژگی‌ها به طور مساوی در اختیار افراد قرار داده‌اند اشاره می‌کنند. آنها معتقدند که ویژگی‌های خاص اینترنت نقش بسیار عمده‌ای در تمرکز زدایی رسانه‌ای داشته است. این تمرکززدایی به صدادار شدن گروه‌های خاموش کمک می‌کند. به این ترتیب، این گروه‌ها جایگاهی برای بازنمایی خود یافته‌اند و از محرومیت تاریخی خود تا حدودی فاصله گرفته‌اند (منتظر قائم و تاتار، ۱۳۸۴، ص ۱۴). از طرفی دیگر، بدیهی است که شبکه‌های اجتماعی از آسیب‌های اجتماعی به دور نیستند. "استفاده بیش از حد از شبکه‌های اجتماعی، امروز رشدی فراتر از آنچه انتظار می‌رفت، داشته به گونه‌ای که جزیی از سبک زندگی فردی و جمعی افراد جامعه شده و در کنار آن مشکلات عدیده‌ای برای کاربر و اطرافیان وی ایجاد کرده است. از جمله: اعتیاد اینترنتی و بی‌حوصلگی، بی‌طاقتی، بی‌تحریکی و انزوای ناشی از آن" (نیک نفس، ۱۳۹۲).

ماهیت، اهداف راه‌اندازی و کارهایی که در این سایت‌ها انجام می‌شود به طور واضحی، با آن چه که شاخص‌های سرمایه اجتماعی، به ویژه مهم‌ترین آن‌ها، اعتماد اجتماعی نامیده می‌شود در ارتباط است. از آن جایی که این شبکه‌ها، امکان تجمع افراد با ویژگی‌های خاصی را فراهم می‌آورند که ممکن است حتی یک‌بار هم به صورت واقعی و رودررو یکدیگر را ندیده باشند، اعتماد بین طرفین، از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است، زیرا لازمه تداوم این روابط مجازی، اعتماد طرفین به یکدیگر است. از این رو چگونگی و شناسایی روابط میان شبکه‌های اجتماعی و سرمایه اجتماعی از یک طرف و طرح این پرسش که آیا می‌توان شبکه‌های اجتماعی را بخشی از سرمایه اجتماعی یک جامعه به شمار آورد، از طرف دیگر و نیز این که آیا این شبکه‌ها در

^۱ www.resalat-news.com

جهت تقویت سرمایه اجتماعی عمل می‌کنند یا برعکس، سؤالات این پژوهش است و در طول مقاله سعی می‌شود به بررسی و تبیین رابطه میان این دو پرداخته شود.

مبانی نظری

مارکسیسم کلاسیک^۱: مارکس، ضمن تفکیک زیربنا و روبنا در جامعه، نقش اصلی را به زیربنا می‌دهد و روبنا را متعین می‌داند. به عقیده وی، ساختار اقتصادی موجب تغییرات فرهنگی می‌شود. وی زیربنا را همان شیوه معیشت می‌داند و روبنا را ایدئولوژی. به اعتقاد مارکس، طبقه‌ای که ابزارهای تولید را مالک است، یعنی بر زیربنا مسلط است، برای بقاء و ماندگاری خود، اندیشه‌های متناسب با آن را تولید می‌کند. به عبارت دیگر، اندیشه هیأت حاکمه، اندیشه حاکم بر جامعه است.

مکتب فرانکفورت^۲: بنا بر عقیده متفکران مکتب فرانکفورت، عقلانیت ابزاری و به ویژه تجسم عینی آن یعنی فناوری امروزه باعث شیء‌گونگی انسان و نظارت بر عملکرد آدمی گشته است و آفریده در مقابل آفریننده قد علم کرده است. نظریات ارتباطی مکتب فرانکفورت با آرای آدورنو و هورکهایمر، شروع می‌شود. آنها مقاله‌ای تحت عنوان «صنایع فرهنگی و فرهنگ توده» منتشر کرده‌اند و عقیده دارند که صنایع فرهنگی بخش جدیدی از صنعت مؤسسات اطلاع‌رسانی مثل رادیو، مطبوعات و سینما است که برای به نتیجه رساندن منافع صاحبان صنایع، به کار می‌افتد. نتیجه این صنایع فرهنگی، تولید تخدیرکننده محصولات فرهنگی، ایجاد بازارهای وسیع‌تر تجاری و سازگاری سیاسی است (ریترز، ۱۳۷۴، صص ۲۱۵-۲۱۰). هربرت مارکوزه با دو مفهوم «تک‌ساحتی» و «فرهنگ بسته بندی شده» به انتقاد از وضعیت آگاهی‌بخشی موجود توسط وسایل جدید ارتباط جمعی، پرداخت. او معتقد است که در شرایط حاکم جهانی، آگاهی به وسیله نظام اجتماعی جذب می‌شود و از آغاز و در هسته و به وسیله آن

^۱ Orthodox Marxism

^۲ Frankfurt school

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۳۵

شکل و رنگ می‌گیرد. بنابراین آنچه به ظهور می‌رسد انطباق و هماهنگ‌سازی نیست، بلکه تقلید و نوعی یکی شدن فرد با جامعه است (رزاقی، ۱۳۸۵، ص ۲۲).

«کنش ارتباطی» و «گستره همگانی» یورگن هابرماس - هابرماس با دو مفهوم «کنش ارتباطی» و «گستره همگانی» به بررسی همه جانبه ارتباطات در عصر جدید می‌پردازد. در کنش ارتباطی یا عمل تفاهمی، کنش افراد درگیر، نه از طریق حسابگری‌های خودخواهانه «موفقیت شخصی»، بلکه از طریق کنش‌های «تفاهم‌آمیز» هماهنگ می‌شود. افراد در کنش ارتباطی، به هیچ روی، در فکر موفقیت خود نیستند بلکه هدفشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنشی‌شان را بر مبنای تعریف‌هایی از موفقیت مشترک، هماهنگ سازند. نهایت کنش ارتباطی، دستیابی به تفاهم ارتباطی است. خردباوری در گستره کنش ارتباطی، یعنی گسترش ارتباط انسانی که مناسبت استوار به سلطه را پشت سر می‌گذارد. خرد ارتباطی به منطق مکالمه و گفتگوی آزاد، استوار است. در کنش ارتباطی و گفتگوی آزاد، زبان را نه به صورت «عبارت حکمی» و دستوری، بلکه به صورت «عبارت گفتاری» و تفاهمی در جهت برقراری روابط غیر اجباری میان ذهنی به کار می‌برند. مبنای اندیشه هابرماس، ارتباط تحریف نشده و بدون اجبار است. به نظر وی راه حل مساله عقلانیت ابزاری، در عقلانیت کنش ارتباطی نهفته است. عقلانیت ارتباطی به ارتباطی‌رها از سلطه و آزاد و باز می‌انجامد (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۲۶).

مارشال مک لوهان و نظریه تحول تاریخی ارتباطات - مک لوهان، در سال‌های اولیه دهه ۶۰ نظریه تحول تاریخی بر مبنای ارتباطات را مطرح ساخت. او معتقد است در هر دوره یکی از حواس بشر غلبه داشته است:

۱. دوره اول یا کهکشان شفاهی، پیام از طریق شنوایی و گوش منتقل و انتقال دانستنی‌ها در این دوره سینه به سینه است.

۲. دوره دوم، عصر تمدن بصری یا کهکشان گوتنبرگ است. که با پیدایش خط و سپس اختراع صنعت چاپ همراه است. در همین دوره است که انسان به زندگی ماشینی روی می‌آورد و ارتباط افراد از طریق کتاب مجزا و بی‌روح است.

۳. در عصر سوم، کهکشان مارکنی یا تمدن الکترونیک، مجدداً حس شنوایی با اختراع رادیو، بازمی‌گردد و بیان شفاهی دوباره اعتبار می‌یابد. البته یک تفاوت اساسی با نظام ابتدایی و قبیله‌ای دارد و آن هم این است که این نظام در یک سطح جهانی مطرح است. وسایل سرد موجب جلب مشارکت بیشتر می‌شوند، مانند جلسات بحث و گفتگو یا سمینار که همبستگی را بیشتر می‌نمایند؛ ولی وسایل گرم به ذهن و تخیل، امکان مشارکت نمی‌دهند.

مک‌لوهان با دیدی آرمانی و خوش‌بینانه پیشرفت‌های فناورانه رسانه‌ها را عامل مهم برای از بین بردن تمرکزگرایی در جهان معرفی می‌کند و اعتقاد دارد نوعی حرکت فراگیر به سوی مصرف عمومی و همگانی در جامعه جهانی یا دهکده جهانی در حال شکل‌گیری است. او می‌گوید اگر «ارشمیدس» نقطه اتکایی می‌خواست تا جهان را جابجا کند، رسانه‌ها را برای انجام دگرگونی انتخاب می‌کرد.

مفهوم سرمایه اجتماعی - سابقه اصطلاح «سرمایه اجتماعی»^۱ به معنایی که امروزه به کار می‌رود، به سال ۱۹۱۶ و نوشته‌های هانیفان^۲، سرپرست وقت مدارس ویرجینیای غربی در آمریکا برمی‌گردد. «سرمایه اجتماعی اصطلاحی است که گاه در معنای وسیع به کار می‌رود و ثروت اجتماعی^۳ و یا حتی درآمد اجتماعی^۴ از آن برمی‌آید و گاه در فضای محدود که منابع و تجهیزات غیرفردی و غیرخصوصی را شامل می‌شود. بدین معنی، سرمایه اجتماعی آن چیزی است که با سرمایه جامعه پدید آمده و مورد استفاده همگان است نظیر راه‌های ارتباطی، تجهیزات انتقال پیام و...» (ساروخانی، ۱۳۷۰، ص

^۱ social capital

^۲ hanifan

^۳ social wealth

^۴ social income

تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۳۷

۶۸۵). پیر بوردیو^۱ در بحث از انواع سرمایه به سه نوع سرمایه اقتصادی، سرمایه فرهنگی، سرمایه اجتماعی اشاره دارد و تقلیل انواع سرمایه به سرمایه اقتصادی را، که جهان مبادلات را به مبادله تجاری فرو می‌کاهد، اختراع تاریخ سرمایه‌داری می‌داند. از نظر او توضیح ساختار و کارکرد جهان اجتماعی غیرممکن است مگر آن که سرمایه نه فقط به همان شکلی که نظریه اقتصادی آن را به رسمیت می‌شناسد، بلکه در تمامی اشکال آن از نو شناخته و معرفی شوند (بوردیو، ۱۹۹۷، ص ۱). سرمایه اجتماعی از نظر بوردیو بر تعهدات و ارتباطات اجتماعی مبتنی است. بنابراین از نظر بوردیو، ایجاد و اثربخشی سرمایه اجتماعی، بستگی به عضویت در یک گروه اجتماعی دارد که اعضای آن، مرزهای گروه را از طریق مبادله اشیاء و نهادها، بنیان نهاده‌اند. از نظر بوردیو، مقدار سرمایه اجتماعی، در تملک هر عامل اجتماعی به دو امر وابسته است: اول، اندازه شبکه ارتباطاتی که عامل اجتماعی به خوبی بتواند آن را بسیج نماید؛ دوم، مقدار سرمایه (اقتصادی، فرهنگی، نمادی) هر یک از کسانی که عامل اجتماعی با آنها در ارتباط است (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴، صص ۹-۱۰). از نظر جیمز کلمن^۲ نیز سرمایه اجتماعی بخشی از ساختار اجتماعی است که به کنشگر اجازه می‌دهد تا با استفاده از آن به منافع خود دست یابد: «روابط اجتماعی، هنگامی به وجود می‌آیند که افراد کوشش می‌کنند از منابع فردی خود بهترین استفاده را به عمل آورند و نباید تنها به عنوان اجزاء ساختارهای اجتماعی در نظر گرفته شوند. آنها را می‌توان منابعی برای افراد نیز در نظر گرفت. من این منابع اجتماعی - ساختاری را دارایی سرمایه‌ای برای فرد یعنی سرمایه اجتماعی در نظر می‌گیرم» (کلمن، ۱۳۷۷، صص ۴۶۲-۴۵۸). پاتنام^۳، دیگر نظریه‌پرداز سرمایه اجتماعی است. او مفهوم سرمایه اجتماعی را در مقیاسی متفاوت از بوردیو و کلمن به کار می‌برد، اگر چه تعریف او از مفهوم سرمایه اجتماعی مستقیماً تحت تأثیر کلمن می‌باشد (توسلی و موسوی، ۱۳۸۴، ص ۱۴). به بیان او «سرمایه اجتماعی به

¹ pierre bourdieu

² james coleman

³ Robert Putnam

خصوصیاتی از سازمان اجتماعی نظیر شبکه‌ها، هنجارها و اعتماد اشاره دارد که همکاری و هماهنگی برای منافع متقابل را تسهیل می‌نماید» (پاتنام، ۱۹۹۹، ص ۶). پاتنام مفهوم سرمایه اجتماعی را فراتر از سطح فردی به کار می‌گیرد و به چگونگی کارکرد سرمایه اجتماعی در سطح منطقه‌ای و ملی و نوع تأثیرات سرمایه اجتماعی بر نهادهای دمکراتیک و در نهایت توسعه اقتصادی علاقه‌مند است. به همین منظور در دو مطالعه تطبیقی، میان ایالت‌های مختلف در آمریکا در کتاب (بولینگ تک نفره) و همچنین حکومت‌های منطقه‌ای تازه تأسیس ایتالیا در شمال و جنوب در دهه ۷۰ در کتاب (دمکراسی و سنت‌های مدنی)، تأثیر سرمایه اجتماعی را در تقویت جامعه مدنی و کارآمدی دمکراسی از سویی و رشد و توسعه اقتصادی از سوی دیگر مورد بررسی قرار داده است. اگرچه او از منافع خصوصی سرمایه اجتماعی، غافل نبوده و به صورت‌های عمومی و خصوصی و جهات فردی و جمعی سرمایه اجتماعی اشاره دارد، اما به صراحت بیان می‌دارد که تمرکز و علاقه‌مندی خاص او به منافع خارجی و بهره‌های عمومی سرمایه اجتماعی است (پاتنام، ۲۰۰۰، ص ۲۳؛ پاتنام و گاس، ۲۰۰۲، ص ۲). پاتنام، سرمایه اجتماعی را در آثار متعدد خود با سه مؤلفه، به عنوان ویژگی سازمان اجتماعی تعریف می‌نماید که آنها عبارتند از: شبکه‌ها، هنجارهای همیاری و اعتماد. فرانسیس فوکویاما^۱، پیرامون سرمایه اجتماعی نیز مانند پاتنام در سطح کلان دنبال شده است. او سرمایه اجتماعی را در سطح کشورها و در ارتباط با رشد و توسعه اقتصادی آنها مورد بررسی قرار داده است. «سرمایه اجتماعی را به سادگی می‌توان به عنوان مجموعه معینی از هنجارها یا ارزش‌ها غیررسمی تعریف کرد، که اعضای گروهی که همکاری و تعاون می‌نشان مجاز است در آن سهیم هستند. هنجارهایی که تولید سرمایه اجتماعی می‌کنند، اساساً باید شامل سجایایی از قبیل صداقت، ادای تعهدات و ارتباطات دوجانبه باشند» (فوکویاما، ۱۳۷۹، صص ۱۲-۱).

¹ francis fukuyama

مهمترین شاخص‌های سرمایه اجتماعی شامل اعتماد، همکاری، همدلی و احساس مسئولیت، مشارکت اجتماعی (رسمی و غیررسمی) و هنجارهای همیاری است.

چارچوب نظری

«گستره همگانی»^۱ یا حوزه عمومی مجموعه‌ای است از کنش‌ها و نهادهای فرهنگی که البته کارکرد غیرفرهنگی یعنی نقش‌های سیاسی، اجتماعی و اقتصادی نیز می‌یابند. این کارکردها، جنبه عمومی یا همگانی دارند که در بهترین حالت از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی، مستقل و مصون هستند. گستره همگانی، فضای اظهار نظر، مکالمه، مبحث و چاره‌جویی در مسایل همگانی است. هرکس، بالقوه حق و قدرت شرکت در این فضا را دارد و باز به گونه‌ای نظری و آرمانی، هیچ کس را امتیازی نسبت به دیگران در این فضا نیست. نقش مستقل نهادهای گستره همگانی به معنای دقیق و کامل خود، محصول فرهنگ روشنگری سده هجدهم است، یعنی روزگاری که بحث نقادانه درباره افکار عمومی آغاز شد و همپای این بخش، ایده‌ای نیز پدید آمد. تمایز میان عقیده فردی و افکار عمومی، نباید موجب سرکوب عقیده و آزادی بیان گردد. درست است که عقیده همگان، فراتر از خواست‌ها، نیازها، اشتیاق‌ها و باورهای فردی است، اما نمی‌توان به این خصیصه، عقاید فردی را سرکوب کرد، بلکه باید به ارزیابی و ارزش‌گذاری آنها پرداخت. خواست پرشور آزادی بیان که روشنگران هریک به گونه‌ای و تا حدی، منادی و هوادارش بودند، موجب شکل‌گیری منطقی‌گفتگو در حد نهادهای گستره همگانی شد. گستره همگانی صرفاً مجموعه‌ای از نهادها نیست بلکه کنش فردی در ابراز نظر در محل کار، مدرسه و دانشکده یا میان دوستان و... لحظه‌ای از گستره‌ی همگانی است (رزاقی، ۱۳۸۵، صص ۲۴-۲۵).

هابرماس، حوزه عمومی را گستره‌ای میان جامعه مدنی و دولت می‌داند که در آن، مباحث عقلانی و انتقادی در جهت حفظ منافع عمومی و خصوصی جامعه و اعضای

^۱ public sphere

آن جریان دارد. در پی ایجاد حوزه عمومی در حیات اجتماعی، قلمرویی ایجاد می شود که افکار عمومی در آن شکل می گیرد و شهروندان به دور از قید و بند، با هم تبادل نظر می کنند و همچون یک پیکره عمومی رفتار می کنند. دسترسی تمامی شهروندان به این قلمرو، به طور یکسان و برابر تضمین شده و مشارکت سیاسی نیز در آن از طریق گفتگو انجام می شود. در حوزه عمومی، افراد نه برای کسب و کار گفتگو می کنند و نه در مقام اعضای نهادهای قانونی یا دولتی. حوزه عمومی، عرصه حضور و مشارکت آزادانه و برابر همه شهروندان در گفتگوی جمعی در جامعه دموکراتیک است. در این عرصه، گفتگو بر اساس معیار عقلانیت انجام می شود و ماهیت رهایی بخش عقل جمعی در آن تجلی پیدا می کند. هدف اصلی حوزه عمومی این است که میان شهروندان درباره «خیر مشترک» بحث های انتقادی عقلانی صورت گیرد و این امر به صورت بندی یا تدوین سلسله اقداماتی که در جهت منافع عموم عمل می کند، منتهی شود. در این میان، رسانه های جمعی با توجه به تمرکزشان بر انتشار اخبار و تحلیل های انتقادی در مورد عملکرد دولت، یکی از ارکان حوزه عمومی کارآمد هستند (اوبرین^۱، ۲۰۰۳).

هابرماس در یکی از کتاب های مشهور خود به نام «فضای عمومی»، با تجزیه و تحلیل مطبوعات و افکار عمومی در دوران انقلاب های دموکراتیک غربی چنین نتیجه گرفته است که وسایل ارتباط جمعی تحت تأثیر استیلای سرمایه داری در قرن نوزدهم، از مسیری که در دوران انقلاب های دموکراتیک داشتند، منحرف شده اند و زیر سلطه گروه های سرمایه داری و در جهت حفظ منافع اقتصادی و سیاسی خاص هیأت حاکمه، «فضای عمومی» را مسموم و افکار عمومی را منحرف کرده و به سوی مشروعیت دادن به نظام حاکم کشیده شده اند (مهدیزاده، ۱۳۷۸، صص ۲۰-۱۹).

در نگاهی کلی، اگر بخواهیم ویژگی ها و شاخصه های حوزه عمومی مطلوب هابرماس را ذکر کنیم می توانیم موارد ذیل را برشماریم:

۱. دسترسی همگان به حوزه عمومی به شکل عام، آسان و برابر؛

^۱ O'Brien

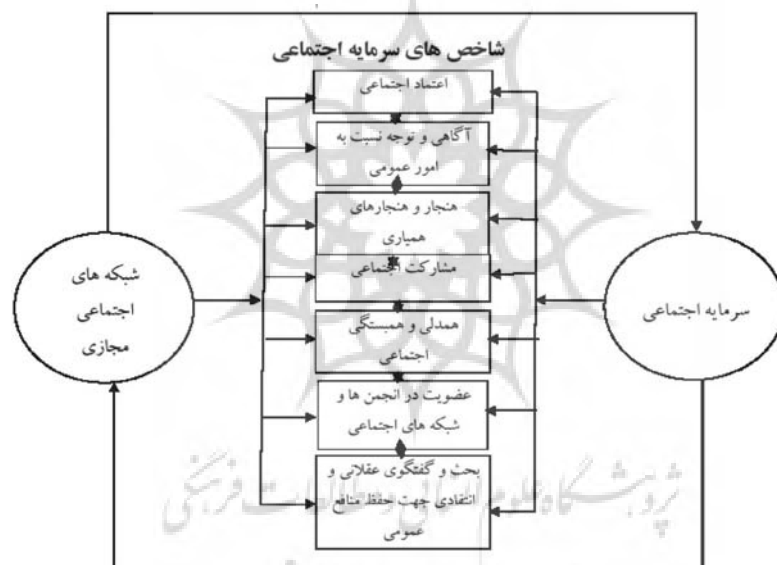
تحلیل جامعه‌شناختی رابطه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۴۱

۲. حذف امتیازات و نابرابری در دسترسی به رتبه و منزلت برای هرکس؛
۳. کشف هنجارهای عام و مشروعیت عقلانی و حاکم کردن خرد جمعی؛
۴. پوشش برای نفع جمعی که نفع فردی نیز در آن تضمین شده است؛
۵. نظارت دموکراتیک؛
۶. کثرت عقاید و پایبندی و اعتقاد به اصول گفتمان؛
۷. عدم نقش مستقیم و دخالت آمیز دولت و ساختارهای قدرت؛
۸. اخلاق ارتباط و کنش مفاهمه‌ای؛
۹. تشویق انتقاد و پذیرش آن؛
۱۰. شکل‌گیری افکار عمومی و علایق جمعی.

هابرماس همچنین علاقه مندی زیادی به کنش ارتباطی دارد به اعتقاد او کنش‌های افراد درگیر، نه از طریق حسابگری‌های خودخواهانه موفقیت بلکه از طریق کنش‌های تفاهم‌آمیز هماهنگ می‌شود. افراد دخیل در کنش ارتباطی اساساً در بند موفقیت شخصی شان نیستند، بلکه هدف‌هایشان را در شرایطی تعقیب می‌کنند که بتوانند برنامه‌های کنششان را بر مبنای تعریف‌هایی از موقعیت مشترک هماهنگ سازند. او غایت کنش ارتباطی را دستیابی به تفاهم ارتباطی می‌داند و آن را بارزترین و فراگیرترین پدیده بشری می‌داند. مبنای کار هابرماس ارتباط تحریف نشده و بدون اجبار است. یکی از عناصر مهم کنش ارتباطی عنصر گفتار است به نظر هابرماس عناصر تحریف نشده را می‌توان در هر نوع عمل ارتباطی معاصر پیدا کرد. در همین راستا او از عقلانیت کنش ارتباطی سخن می‌گوید و معتقد است که عقلانیت کنش ارتباطی به ارتباط رها از سلطه و ارتباط آزاد و باز می‌انجامد و عقلانیت مستلزم رهاسازی و رفع محدودیت‌های ارتباط است (ریتزر، ۱۳۷۴، ص ۲۱۳-۲۱۱).

روش‌شناسی

در این مقاله، از روش پیمایش^۱ برای بررسی رابطه شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی در بین جوانان شهرستان سردشت استفاده شده است. همچنین جهت تدوین مبانی نظری و ادبیات تحقیق از روش اسنادی و کتابخانه‌ای نیز بهره گرفته شده است. در رابطه با تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی (جدول توزیع فراوانی - درصدها و نمودارها) و آمار استنباطی (نرم افزار اسپاس اس^۲ - آزمون خی دو) بهره گرفته شده است. جامعه آماری در این تحقیق جوانان شهرستان سردشت می‌باشند که تعداد آنها ۲۹۸۴۸ نفر می‌باشد.



با توجه به ماهیت موضوع مورد بررسی جمعیت نمونه، به صورت غیرتصادفی انتخاب شده است و از روش نمونه‌گیری زنجیره‌ای (گلوله برفی)^۳ که یکی از روش‌های نمونه‌گیری غیراحتمالی است استفاده شده است. حجم نمونه نیز با استفاده از

¹ Survey

² SPSS

³ snowball

تحلیل جامعه شناختی رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۴۳

مدل حجم نمونه اشیاعی است و نمونه‌گیری تا جایی ادامه داشته که پاسخ‌ها تکراری به نظر برسند. در این تحقیق پس از پاسخگویی ۹۰ نفر به پرسشنامه این مسئله، احساس شد که جواب‌ها مشابه به نظر می‌رسند و به اصطلاح حجم نمونه اشیاع شده بود، اما برای اطمینان بیشتر تعداد ۱۵ نفر دیگر نیز به عنوان پاسخگو انتخاب شدند که باز هم نتیجه همان بود. بنابراین نمونه‌گیری در تعداد ۱۰۵ نفر متوقف شد. ابزارهای گردآوری اطلاعات در این تحقیق، پرسشنامه، مصاحبه - اسنادی، کتابخانه‌ای و اینترنت هستند.

گزارش یافته‌ها

در این مقاله، جهت تجزیه و تحلیل داده‌ها از آمار توصیفی به منظور سازماندهی کردن داده‌ها، خلاصه کردن، تهیه جدول‌های فراوانی، رسم نمودارها و توصیف داده‌های جمع‌آوری شده استفاده شده است. همچنین از آمار استنباطی به منظور بررسی و آزمون هر یک از فرضیه‌های موجود پرداخته شده است. از آنجا که هر یک از متغیرهای مربوط به فرضیه‌های تحقیق، متغیرهای کیفی هستند برای اثبات یا رد فرضیه‌ها از آزمون خی‌دو بهره گرفته شده است به عبارتی فرضیه زیر آزمون می‌شود که اگر سطح معناداری بیش از ۹۵ درصد باشد فرض صفر رد و فرضیه محقق تأیید می‌شود. نتایج به قرار زیر است:

- میانگین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و وجود اعتماد اجتماعی در بین مردان ۵۰/۳۹ و در بین زنان ۴۸/۵۶ می‌باشد که این تفاوت از نظر آماری چشمگیر نمی‌باشد.
- میانگین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی در بین مردان ۴۷/۱۵ و در بین زنان ۴۴/۴۴ می‌باشد که این تفاوت از نظر آماری چشمگیر نمی‌باشد.

- میانگین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارتقاء همبستگی اجتماعی در بین مردان ۱۵/۹۶ و در بین زنان ۱۰۶/۶۷ می‌باشد که این تفاوت از نظر آماری چشمگیر نمی‌باشد.
- میانگین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تصمیم‌سازی مشارکتی در بین مردان ۱۵/۴۴ و در بین زنان ۱۴/۳۳ می‌باشد که این تفاوت از نظر آماری چشمگیر نمی‌باشد.
- میانگین عضویت در شبکه‌های اجتماعی به مثابه حوزه عمومی مورد نظر هابرماس در بین مردان ۶۱/۱۹ و در بین زنان ۵۶/۳۳ می‌باشد که این تفاوت از نظر آماری چشمگیر نمی‌باشد.
- ارتباط بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و وجود همبستگی اجتماعی با، میانگین گسترش حوزه عمومی ۶۰/۷۷، اعتماد اجتماعی ۵۰/۲۳ و حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی ۴۶/۹۱، ثابت می‌شود.
- در نهایت بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی رابطه‌ی معناداری وجود دارد، و شبکه‌های اجتماعی مجازی را می‌توان به عنوان بخشی از سرمایه اجتماعی جامعه قلمداد نمود.

نتیجه‌گیری

امروزه، در جهانی سرشار از تغییر و تحولات زندگی می‌کنیم که یکی از پیامدهای آن یعنی اینترنت توانسته است به نحو شگرفی، زندگی بشر را تحت تأثیر خود قرار دهد. آلوین تافلر از موج سوم با نام انقلاب الکترونیک اسم می‌برد و پیش‌بینی می‌کند که این انقلاب تمام جهان را فرا بگیرد و استدلال اصلی کاستلز در کتاب سه‌گانه عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ، آن است که همه جهان جدید به صورت یک شبکه درآمدی است. شبکه‌ای که بافت اصلی و تاروپود آن را اطلاعات و نظام الکترونیک تشکیل می‌دهد. پیدایش اینترنت و دستاوردهای جدید، ارتباطات را معنایی تازه

تحلیل جامعه شناختی رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۴۵

بخشیده و موجب دگرگونی در تعاملات بشری شده است. شبکه های اجتماعی مجازی نیز امتداد دستاوردهای بشری در زمینه فناوری و اینترنت می باشند. این شبکه ها نسل جدیدی از وبسایت ها هستند که امروزه در کانون توجه کاربران شبکه جهانی اینترنت قرار گرفته اند که بر مبنای تشکیل اجتماعات آنلاین فعالیت می کنند و هرکدام دسته ای از کاربران اینترنتی با ویژگی های خاصی را گرد هم می آورند. این شبکه ها، گونه ای از رسانه های اجتماعی هستند که امکان دستیابی به نحوه جدیدی از برقراری ارتباط و به اشتراک گذاری محتوا در اینترنت را فراهم آورده اند. از طرفی نیز سرمایه اجتماعی و سرمایه انسانی از موارد مهم و ضروری در اجتماعات هستند. فرانسیس فوکویاما به ارتباط بین سرمایه اجتماعی و مشکلات اجتماعی اشاره ای مستقیم دارد و یکی از راه های اندازه گیری سرمایه اجتماعی را استفاده از آمارهای انحراف اجتماعی از قبیل جرایم و دیگر مشکلات اجتماعی می داند (فوکویاما، ۱۳۷۹، ص ۱۹). بر اساس این دیدگاه مشکلات اجتماعی نشانه ای از نبود سرمایه اجتماعی است. در این تحقیق کوشش شد تا رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی، مورد بررسی قرار گیرد بدین منظور دیدگاه ها و نظریات گوناگونی در رابطه با موضوع مطرح شد. به اعتقاد عده ای از نظریه پردازان و همچنین طبق نتایج بسیاری از پژوهشگرانی که در این عرصه به مطالعه پرداخته اند، شبکه های اجتماعی اینترنتی و ارتباطات مجازی از طرق گوناگون و با ایجاد اشکال نوین تعامل، باعث افزایش و تقویت سرمایه اجتماعی در جامعه می شود. به اعتقاد عده ای از پژوهشگران اینترنت، باعث به وجود آمدن اشکال جدیدی از اجتماع و کنش متقابل شده است که با استفاده از مقیاس های استاندارد و معمول سنجش سرمایه اجتماعی نمی توان آنها را اندازه گیری کرد. در رابطه با فرضیه اول و وجود اعتماد اجتماعی در شبکه های اجتماعی، می توان گفت که هرچند شاید در نگاه اول چنین به نظر برسد که به دلیل پدیده عدم تجسد و ناشناس ماندن افراد از یکدیگر در فضای مجازی، اعتماد از میزان بسیار پایینی برخوردار است، اما با توجه به نتایج به دست آمده و اینکه اکثر پاسخگویان گفته بودند که اکثر دوستانشان در

شبکه‌های اجتماعی مجازی همان دوستان دنیای واقعی هستند و در دنیای مجازی نیز دوستانشان را از طریق آگاهی و شناخت انتخاب می‌کنند، همچنین به دلیل مکتوب، مستند و قابل مشاهده بودن اطلاعات در فضای مجازی می‌توان از وجود اعتماد نسبتاً خوبی در بین افراد و حداقل در بین دوستان مشترک در دنیای مجازی و واقعی سخن گفت که این اعتماد خود به سطح دنیای واقعی و قابل لمس نیز سرایت پیدا کرده و حتی موجب تقویت آن نیز می‌شود. در رابطه با فرضیه دوم و اینکه بین شبکه‌های اجتماعی مجازی و تقویت حس مسئولیت‌پذیری اجتماعی رابطه وجود دارد، می‌توان گفت: از آنجا که بیشتر پاسخگویان بر صادقانه بودن اطلاعاتی که در فضای مجازی می‌گذارند تأکید دارند، خود را در برابر دوستانشان مسئول می‌بینند، به نامه‌ها، نظرسنجی‌ها و فراخوان‌ها پاسخ می‌گویند، حس مسئولیت‌پذیری نیز در بین افراد وجود دارد و می‌توان از تقویت آن نیز سخن گفت. در مورد نتایج بدست آمده از فرضیه سوم که عبارت است از: به نظر می‌رسد بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و ارتقاء همبستگی اجتماعی بین افراد ارتباط وجود دارد، می‌توان چنین اظهارنظر کرد: از آنجا که پاسخگویان اظهار کرده‌اند به جامعه احساس تعلق دارند، با افرادی از طیف‌ها و سنین مختلف، دارای دیدگاه و عقاید مختلف دوستی و رابطه دارند و اینکه با افرادی از ملیت‌ها و نژادهای مختلف بحث و ارتباط برقرار می‌کنند، نشان می‌دهد که ارتباط از طریق شبکه‌های اجتماعی مجازی، هم سطح سرمایه اجتماعی درون گروهی و هم سرمایه اجتماعی برون گروهی را افزایش می‌دهد. این نتایج برای جامعه ایران که از تنوع قومی و ملی برخوردار است از اهمیت ویژه‌ای برخوردار است و می‌توان از آن به عنوان راهی برای تقویت همبستگی ملی و اجتماعی بهره‌برداری کرد. فرضیه چهارم، به نظر می‌رسد بین عضویت در شبکه‌های اجتماعی مجازی و تصمیم‌سازی‌های مشارکتی بین افراد ارتباط وجود دارد. با بررسی نتایج بدست آمده در رابطه با این فرضیه می‌توان گفت: از آنجا که پاسخگویان بیان کرده‌اند که شبکه‌های اجتماعی مجازی، وسایل خوبی برای دریافت اطلاعات جدید و تازه هستند و به وسیله آنها در رابطه با جامعه پیرامون

تحلیل جامعه شناختی رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۴۷

خود بیشتر آگاهی کسب می کنند، در فراخوان ها و نظرسنجی ها شرکت می کنند و از طریق آنها با دوستانشان در رابطه با مسایل و امور مشترک تصمیم گیری و مشورت به عمل می آورند، در نتیجه از این قابلیت شبکه های اجتماعی مجازی می توان به عنوان راهی برای چاره اندیشی و تصمیم گیری مشارکتی در مورد مسایل مختلف اجتماعی استفاده کرد. فرضیه پنجم، به نظر می رسد شبکه های اجتماعی مجازی می توانند به مثابه حوزه عمومی مورد نظر هابرماس عمل کنند. همان گونه که پیشتر نیز اشاره شد، گستره همگانی یا حوزه عمومی مورد نظر هابرماس، فضای اظهار نظر، مکالمه، مباحث و چاره جویی در مسایل همگانی است که در بهترین حالت از نفوذ نیروها و نهادهای دولتی و قدرت های سیاسی مستقل و مصون هستند. هرکس بالقوه حق و قدرت شرکت در این فضا را دارد و باز به گونه ای نظری و آرمانی، هیچ کس را امتیازی نسبت به دیگران در این فضا نیست. هابرماس حوزه عمومی را گستره ای میان جامعه مدنی و دولت می داند که در آن مباحث عقلانی و انتقادی در جهت حفظ منافع عمومی و خصوصی جامعه و اعضای آن جریان دارد. در پی ایجاد حوزه عمومی در حیات اجتماعی قلمرویی ایجاد می شود که افکار عمومی در آن شکل می گیرد و شهروندان به دور از قید و بند با هم تبادل نظر می کنند و همچون یک پیکره عمومی رفتار می کنند، دسترسی تمامی شهروندان به این قلمرو به طور یکسان و برابر تضمین شده و مشارکت سیاسی نیز در آن از طریق گفتگو انجام می شود. این ویژگی ها و خصوصیات حوزه عمومی مورد نظر هابرماس به صورت قابل وضوحی (البته نه به طور کامل) در شبکه های اجتماعی به چشم می خورد و افراد جامعه اعم از زن و مرد، پیر و جوان و فقیر و غنی می توانند از امکانی برابر و مساوی، آزادانه و بدون هیچ گونه ترس و نظارتی برای اظهار نظر و عقیده شخصی و گفتگو در مورد امور مختلف برخوردار باشند. فضایی که در آن افراد و گروه های به حاشیه رانده شده می توانند به بازنمایی و دفاع از خود بپردازند. از آنجا که شبکه های اجتماعی مجازی مرزهای مکانی و زمانی گذشته را درنور دیده اند حتی می توان از آنها به عنوان وسایلی مفید و مؤثر برای گفتگو،

رسیدن به تفاهم و تبادل نظر بین ملت‌ها و تمدن‌های جهان در رابطه با مسایل مشترک جهانی استفاده کرد و در نتیجه آن از همبستگی جهانی که دغدغه فکری بسیاری از متفکران جهانی و به ویژه جامعه‌شناسان بوده است نیز سخن گفت. نتایج حاصل از تحقیق نیز گویای تأیید همین مطلب است.

پیشنهادها

- انجام تحقیقات بیشتر در زمینه ارتباط شبکه‌های اجتماعی مجازی با هریک از شاخص‌های سرمایه اجتماعی به صورت جداگانه.
- انجام مطالعات طولی و موردی و مقایسه نتایج آنها در طول زمان، در ارتباط با هریک از شبکه‌های اجتماعی مجازی به خصوص شبکه اجتماعی فیس‌بوک.
- انجام تحقیقات مقایسه‌ای در مکان‌ها و جوامع مختلف در رابطه با موضوع.
- فراهم آوردن زمینه‌های اعتمادسازی بیشتر بین محقق و پاسخگو.
- تکیه بر فرهنگ‌سازی و آموزش افراد جامعه در خصوص نحوه استفاده و چگونگی تعامل با شبکه‌های اجتماعی مجازی به جای فیلتر آنها.
- برگزاری همایش‌ها، مراسم و سمینارهای جمعی، جهت شناخت بیشتر آحاد جامعه از ویژگی‌ها و کارکردهای شبکه‌های اجتماعی مجازی.

منابع

- افتاده، جواد (۱۳۹۱). تفاوت بین رسانه‌های اجتماعی و شبکه‌های اجتماعی. رسانه‌های اجتماعی، آبان ۱۳۹۱، ش ۵۶.
- بوردیو، پیر (۱۳۸۱). نظریه کنش: دلایل علمی و انتخاب عقلانی (مرتضی مردیها: مترجم). تهران: انتشارات نقش ونگار.
- پاتنام، رابرت (۱۳۸۳). جامعه برخوردار، سرمایه اجتماعی و زندگی عمومی (افشین خاکباز و حسن پویان: مترجم). تهران: نشر شیرازه.


تحلیل جامعه شناختی رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۴۹

- پاتنام، روبرت (۱۳۸۰). دمکراسی و سنت های مدنی (محمدتقی دلفروز: مترجم). تهران: انتشارات روزنامه سلام.
- خانیک، هادی، بابایی، محمود (۱۳۹۰). فضای سایبر و شبکه های اجتماعی. فصلنامه انجمن ایرانی مطالعات جامعه اطلاعاتی، دوره اول، شماره یک.
- رحمانزاده، علی (۱۳۸۹). کارکرد شبکه های اجتماعی مجازی در عصر جهانی شدن. فصلنامه مطالعات راهبردی، ش ۱.
- رزاقی، افشین (۱۳۸۵). نظریه های ارتباطات اجتماعی. تهران، نشر آسیم.
- ریتزر، جرج (۱۳۷۴). نظریه های جامعه شناسی در دوران معاصر (محسن ثلاثی: مترجم). تهران: انتشارات علمی.
- رحمانی فضلی، عبدالرضا (۱۳۹۲). بررسی مباحث سرمایه اجتماعی و شبکه های مجازی در نشست شورای اجتماعی کشور، خبرگزاری ایرنا، ۱۰ دی ۱۳۹۲.
- ساروخانی، باقر (۱۳۷۸). جامعه شناسی ارتباطات. تهران: انتشارات اطلاعات.
- علیپور، محبوبه (۱۳۹۳). شبکه های اجتماعی داخلی؛ پر تعداد و کم اثر، IT analyze, it
- فوکویاما، فرانسیس (۱۳۷۹). پایان نظم (غلامعباس توسلی: مترجم). تهران: انتشارات جامعه ایرانیان.
- کاستلز، مانوئل (۱۳۸۴). عصر اطلاعات: اقتصاد، جامعه و فرهنگ (ظهور جامعه شبکه ای) (جلد اول) (احمد علی قلیان و افشین خاکباز: مترجمان). تهران، انتشارات طرح نو.
- لطف آبادی، حسین (۱۳۸۹). نوجوانی، جوانی و بزرگسالی. تهران: انتشارات سمت.
- منتظر قائم، مهدی (۱۳۸۱). دمکراسی دیجیتالی و حکومت الکترونیکی: سیاست و حکومت در عصر تکنولوژی های اطلاعاتی و ارتباطی. نامه علوم اجتماعی، شماره ۱۹.

- نیک‌نفس، علی (۱۳۹۲). اعتماد اینترنتی در کمین کاربران شبکه‌های اجتماعی. جام‌جم، ۲۷ اسفند.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۴). دگرگونی ساختاری حوزه عمومی (کاوشی در باب جامعه بورژوازی) (جمال محمدی: مترجم). انتشارات نشر افکار.
- هابرماس، یورگن (۱۳۸۰). جهانی شدن و ایده دمکراسی: منظومه پساملی (کمال پولادی: مترجم). تهران: انتشارات مرکز.
- Coleman, J. (1988). **Social capital in the Creation for human capital**, American journal of sociology.
- Coleman, J. (1990). **Foundation of social theory**, Cambridge, Mass, Belknap press of partial Land.
- Freeman, Linton (2006). **The Development of Social Network Analysis**, Vancouver: Empirical Press
- Internet and everyday life (pp. 291-324). Oxford: Blackwell.
- Putnam, R. D. (1993). *Making democracy work: Civic traditions in modern Italy*. Princeton, NJ: Princeton University Press.
- Putnam, R. D. (1996). The strange disappearance of civic America. *The American Prospect*, 24, 34-48.
- Putnam, R. D. (2000). *Bowling alone: The collapse and revival of American community*. NY: Simon & Schuster.
- Shen & colligue (2014), **Virtual Brokerage and Closure: Network Structure and Social Capital in a Massively Multiplayer Online Game**, Communication Research. April 25.
- Zillman, Marcus P. (2014). **Online Social Networking**. Executive Director – Virtual Private Library. zillman@virtualprivatelibrary.com.

تحلیل جامعه شناختی رابطه بین شبکه های اجتماعی مجازی و سرمایه اجتماعی / ۱۵۱

- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۵/۱۰ [Http:www.anjoman.mcstudies.ir/2011/05/social](http://www.anjoman.mcstudies.ir/2011/05/social)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۵/۳۱ [Http:www.fa.wikipedia.org/wiki/](http://www.fa.wikipedia.org/wiki/)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۵/۳۱ [Http:www.facebook.com](http://www.facebook.com)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۵/۳۱ [Http:www.hamshahrionline.ir/news-137239.aspx](http://www.hamshahrionline.ir/news-137239.aspx)
- تاریخ مراجعه ۱۳۹۰/۵/۱۰ [Http:www.khabaronline.ir/news-8977.aspx](http://www.khabaronline.ir/news-8977.aspx)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۵/۳۱ [Http:www.rajanews.com/detail.asp](http://www.rajanews.com/detail.asp)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۶/۵ [Http:www.tabnak.ir/fa/pages](http://www.tabnak.ir/fa/pages)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۵/۱۰ [Http:www.twitter.com/](http://www.twitter.com/)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۴/۱۰ [Http:www.wikipedia.org/./virtualcommunity](http://www.wikipedia.org/./virtualcommunity)
- تاریخ مراجعه: ۱۳۹۰/۴/۱۰ [Http:www.youtube.com/](http://www.youtube.com/)



پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی



پښتو ښکته علمون انساني و مطالعات فرېښتې
پرتال جامع علمون انساني